

## آسیب های رفتاری اخلاقی اجتماعی در حوزه اقتصاد از منظر قرآن و روایات

زهره مرادی

طلبه سطح ۳ تفسیر و علوم قرآنی، استاد حوزه

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی آسیب های رفتاری اخلاق اجتماعی در حوزه اقتصاد انجام گرفته است. در جوامع امروزی، اقتصاد نقشی محوری در تعیین ساختار و کیفیت زندگی دارد، اما بی توجهی به اصول اخلاقی و اجتماعی در فعالیت های اقتصادی می تواند منجر به بروز آسیب های جدی رفتاری و اجتماعی شود. این پژوهش به بررسی این آسیب ها از منظر قرآن و روایات می پردازد و تلاش دارد تا با تبیین آموزه های اسلامی، راهکارهایی برای مقابله با این چالش ها ارائه دهد. قرآن کریم و روایات اسلامی تأکید ویژه ای بر اصولی نظیر عدالت، انصاف، صداقت و امانت داری در معاملات اقتصادی دارند. تخطی از این اصول می تواند به پیامدهای منفی مانند افزایش فساد اقتصادی، نابرابری اجتماعی، فقر، منفعت طلبی و... منجر شود. از جمله مهم ترین آسیب های رفتاری که در این پژوهش بررسی شده اند، می توان به فقر، رباخواری، رشوه، کم فروشی و... اشاره کرد که هر یک به نحوی در تخریب بنیان های اخلاقی و اجتماعی مؤثرند. نتایج پژوهش نشان داد، برای دستیابی به یک ساختار اقتصادی پایدار و اخلاق محور، لازم است که اصول و آموزه های دینی به طور جدی مورد توجه قرار گیرند. با استناد به رهنمودهای قرآنی و روایی، می توان نظام های اقتصادی را به گونه ای طراحی کرد که نه تنها به توسعه اقتصادی، بلکه به رشد اجتماعی و اخلاقی جامعه نیز کمک کنند. پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی و استناد به منابع معتبر به صورت کتابخانه ای به بررسی این آسیب ها پرداخته است.

**کلمات کلیدی:** آسیب، اخلاق، اجتماعی، اقتصاد، آیات، روایات، رفتاری

**مقدمه :**

اقتصاد به عنوان یکی از مهم ترین ابعاد زندگی بشر، نقشی بنیادین در تعیین کیفیت زندگی فردی و اجتماعی ایفا می کند. با این حال، در صورت عدم رعایت اصول اخلاقی و اجتماعی، فعالیت های اقتصادی می توانند به منشأ بروز آسیب های رفتاری و اجتماعی تبدیل شوند. قرآن کریم و روایات اسلامی، به عنوان منابع اصلی تعلیم اسلامی، راهنمایی ها و دستورات جامعی را برای پیشگیری و مقابله با چنین آسیب هایی ارائه داده اند. این منابع دینی، بر اصولی همچون عدالت، عدم توجه به رفاه طلبی، پرهیز از ربا و... تأکید داشته و هر گونه رفتار اقتصادی که در تضاد با این اصول باشد را مورد نکوهش قرار داده اند. در این مقاله، تلاش می شود تا با کاوش در آیات قرآن و روایات ائمه اطهار (علیهم السلام)، به بررسی آسیب های رفتاری، اخلاقی و اجتماعی ناشی از عدم رعایت اصول اقتصادی صحیح پرداخته شود. همچنین، به تحلیل پیامدهای منفی این آسیب ها بر فرد و جامعه و ارائه راه حل های دینی برای مقابله با آن ها پرداخته می شود. هدف از این پژوهش، ارائه نگاهی جامع و کاربردی به تعلیم اسلامی در حوزه اقتصاد و ایجاد بستری برای توسعه اقتصادی پایدار و اخلاق محور در جامعه اسلامی است.

**آسیب های رفتاری اخلاق اجتماعی در حوزه اقتصاد**

اخلاق اجتماعی، اخلاقی است که تنها با فرض اجتماع و در تعامل با دیگران امکان ظهور دارد؛ و نیز دارای آسیب هایی رفتاری است که اینک به بررسی این آسیب ها در حوزه اقتصاد می پردازیم؛ چرا که شناخت آسیب های آن در این حوزه، مقابله با عناصر فاسد و سالم سازی فعالیت های اقتصادی را آشکارتر می نماید و در صورت مبارزه با این عناصر و موفقیت در این امر، بستر لازم برای رشد معنوی و سعادت ابدی انسان نیز فراهم می شود.

**۱- فقر**

فقر معضلی است که کلیه جوامع بشری در تمام دوران ها به نوعی با آن رو به رو بوده اند. مکاتب اقتصادی هر یک با رویکردی مختلف در جهت تبیین و تشریح آن می باشد اما نگاه قرآن و معصومین به این پدیده شوم اقتصادی می تواند در جنبه های مختلف فردی اجتماعی، اقتصادی راه گشا باشد. آثار زیانبار فقر در حدی است که امام علی (علیه السلام) فقر را با نام مرگ بزرگ یاد می کند و می فرماید: «الفقر، الموت الاکبر»<sup>۱</sup>

امام هادی (علیه السلام) توصیف زیبایی در مورد فقرداران، ایشان می فرمایند: «الفقرشده النفس وشده القنوط» فقر سیری ناپذیری نفس است و نومیدی شدید.<sup>۲</sup>

نقص فکری، ضعف جسمی، فروپاشی نیروهای روحی و احساسی، فساد اعتقادی و نتایج حاصل از آن همه اینها از صفات ناپسند و حالات نابود کننده ای است که از فقر تولید پیدا می کند و در قشر های ناکام و بینوا رشد می یابد و این امری است زیان بخش و کوبنده که اجتماع را از بسیاری از افراد و شایستگی ها و توان های ایشان محروم می سازد.

۲. محمد بن حسین، شریف رضی، نهج البلاغه ترجمه محمد دشتی، حکمت ۱۶۳، ص ۴۷۵

۲ محمد باقر، مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۶۸، ح ۳

اسلام فقر و پریشانی در جامعه را نمی پسندد و مبارزه ای گسترده در همه ابعاد علیه فقر و ناداری نموده است تعالیم اسلام فقر را نکوهش می کند و آثار زیانباری برای آن می شمارد، در این مبحث تنها به زیان ها و آفاتی اشاره می شود که باعث اثر گذاری روی اخلاق اجتماعی و ضعف آن می شود.

فقر اقتصادی و محرومیت اجتماعی ناشی از آن، ویرانگر شخصیت انسانی است و باعث نابودی حیثیت انسان و موجودیت اجتماعی اوست. فقر به همانگونه که فقیر را به انزوا و عقب ماندگی اجتماعی می کشاند؛ جامعه را نیز به کوچک شمردن فقیر و تحقیر شخصیت او بر می انگیزد و کرامت انسانی را از بین می برد، و از حقوق اجتماعی و سیاسی به او باز می دارد. پس فقر عمده ترین مانع برای پیوستن به اجتماع و عضو شدن در آن است.<sup>۳</sup>

فقر، سبب اصلی حقارت و فرو ریختن شخصیت انسانی است که سرانجام به استضعاف اخلاقی می انجامد و فضایل شخصیت فقیر را وارونه می نماید و او را در نظر دیگران خوار می سازد و به هموعان خود نیازمند می کند.<sup>۴</sup>

همچنین فقر، مایه کینه و دشمنی در جامعه است. حضرت علی (علیه السلام) در روایتی به فرزند خود به محمد بن حنفیه می فرماید: "یا بنی انی، أخاف علیک الفقر فاستعذ بالله ض، فان الفقر منحصه الذین، مدهشه للعقل، داعیه للمقت" فرزندم! من از فقر و ناداری برای تو بیمناکم، پس از آن به خدا پناه ببر، زیرا که فقر باعث کاستی در دین، و سرگشتگی خرداست و مایه ی کینه و دشمنی.<sup>۵</sup>

اجتماع انسانی در بیشتر موارد به جنبه های ظاهری انسان توجه دارد، مال و ثروت را هم ردیف ارزش می شمرد و آنکه داراست را ارزشمند می انگارد. پس شخصیت فقیر کسی است که دیگران هیچ احترامی برای او قائل نیستند و او را با چشم حقارت نگاه می کنند. در روایتی که از حضرت علی (علیه السلام) نقل شده است که می فرماید: "من استغنی کرم علی اهله، ومن افتقر اهان علیهم. هرکس ثروتمند شود در نظر کسان خود بزرگ می نماید و هر کس فقیر شود، در نظر ایشان خوار و ذلیل گردد.<sup>۶</sup>

پس اسلام دینی است که یاور فقرا و پابرهنگان است؛ و هیچ وقت این گروه فراموش نشده است در احادیث نیز همچو قرآن کریم موضع گیری در برابر فقر شده و فقرا را عامل بسیاری از مجرور و انحرافات دانسته اند.

## ۲- مصرف گرایی

اسلام با تأکید بر لزوم حفظ مال، تامین نیازهای زندگی، سرمایه گذاری اقتصادی تأمین رفاه زندگی برای خود و افراد تحت تکفل با معیار رعایت اعتدال و میانه روی، مسلمانان را به مصرف دعوت نموده اما از هرگونه اسراف و تدبیر و ... در مصرف منع کرده است.

مصرف در اصطلاح اقتصاد یعنی در ارزش های پولی کالاها و خدماتی که به وسیله افراد خریداری و تهیه می شود.<sup>۷</sup>

۲- محمد رضا حکیمی، الحیات، ج ۴، ترجمه احمد آرام، مکتب نشر الثقافه، بی تا، صص ۴۰۷-۴۰۵

۲. همان، ص ۴۰۹

۱. محمد بن حسین، شریف رضی، نهج البلاغه ترجمه محمد دشتی، حکمت ۳۱۹، ص ۵۰۵

۶ عبد الواحد، آمدی تمیمی، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۲ ترجمه حسین شیخ الاسلامی، ص ۱۱۱۵، ح ۸۷۹

۷ احمد اجوی، اقتصاد کلان، شرکت چاپ و نشر بازرگان، تهران ۱۳۸۰، ص ۱۵۱

مصرف گرایی اصالت دادن به مصرف و هدف قرار دادن رفاه و دارائی های مادی می شود. اسلام دین اعتدال است؛ از طرفی امر به اصلاح مال و صرف آن را در مصارف شخصی در حد کفاف و شئون افراد کرده است و از طرف دیگر از رفتارهای نابهنگار اسراف، تدبیر، اتراف، زراندورزی و ... بر خدا داشته است.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در این باره فرموده اند: "لایمنع لا اسراف لا بخل، لا اتلاف" {در اسلام} نه تنگ گرفتن، نه زیاده روی، نه خساست و نه تباه کردن {اموال پسندیده است} <sup>۸</sup>

خداوند متعال در قرآن کریم به طور مصداقی از مصرف گرایی اشاره کرده است و مثلاً درباره کسی که بدون اندازه خرج کند می فرماید: "ولا تجعل یدک مغوله الی عنقک و لا تبسطها کل السبط فتقع ملوما محسورا". دستت را به گردنت زنجیر مکن، و بسیار {هم} گشاده دستی منماتا ملامت شده و حسرت زده بر جای مانی. <sup>۹</sup> در آیاتی دیگر نیز در قرآن درباره مصرف گرایی آمده است "ولا تطیعوا امرالمسرفین" و فرمان افراط گران را پیروی مکنید. <sup>۱۰</sup>

الگوی مصرف در اسلام، مبتنی بر استفاده به جا از مواهب الهی، همراه با قناعت و پرهیز از اسراف و تدبیر است. اسلام با انواع اسراف به مبارزه برخاسته، پیروان خود را از ارتکاب آن برخورد داشته تا جایی که امام صادق (علیه السلام) در مورد کمترین حد اسراف می فرماید: صلاحیت استفاده را دارد - و نیز در دور ریختن زیادی آب نوشیدنی دشمن وحی دارد. <sup>۱۱</sup>

در مصرف گرایی علاوه بر اسراف و تبذیر، ارزش های مادی به جای ارزش های والای اخلاقی و انسانی جایگزین می شود. پدید آمدن جامعه مصرفی و رواج مصرف گرایی باعث می شود حرص افراد جامعه برای خرید و مصرف افزایش یابد و این باعث تبدیل ثروت و مصرف به ارزش می شود با ارزشمند شدن مصرف و مصرف گرایی با ارزش هایی مثل قناعت زهد، اعتدال هم نوعی دوستی انفاق و ... کمرنگ شده و نا ارزش های مثل اسراف، تدبیر، مودکری، تجملات، تشریفات و ... ارزشمند می شود تفاخر در استفاده از آنچه تهیه شده زیاد می شود.

در جوامع مصرف گرا، به حفظ آبرو و موقعیت اجتماعی در بین افراد جامعه اهمیت فراوانی می گزارند. لذا بعضی از افراد برای حفظ آبرو و موقعیت اجتماعی به مصرف گرایی رو می آورد. به طور مثال در جشن های ازدواج با وجود اینکه گرفتن تالار پذیرایی امری ضروری نیست و چه بسا گاهی اسراف است. <sup>۱۲</sup>

در پروسه مصرف گرایی، فرد وقتی در پی نمایش ثروت است و در عین حال درآمد ماهیانه وی اجازه این امر را نمی دهد لذا در صدد این بر می آید از طرق مختلف کار کردن اعضا دیگر خانواده، وام گرفتن و ... درصد جبران کسری درآمد برآید

<sup>۱</sup> محمد باقر، مجلسی، بحار الانوار، ج ۳، ص ۷۷، ص ۱۶۶

<sup>۲</sup> اسراء (۱۷) آیه ۲۹

<sup>۳</sup> شعرا (۲۶)، آیه ۱۵۱

<sup>۴</sup> محمد حسن، حر عاملی، وسائل شیعیه، ج ۱۵، باب ۲۵، ح ۲

<sup>۱</sup> فرامرزی، رفیع پور، توسعه و تضاد، انتشار شرکت سهامی، چاپ دوم ۱۳۷۷، ص ۲۱۴

اما با توجه نوسانات اقتصادی هنگامی که امکان بدست آوردن درآمد کافی را نداشته باشد ممکن است به طرق مختلف استفاده از اموال دولتی، اختلاس، رشوه، قاچاق و... روی آورند البته اما کسانی که پایید به موازین دینی هستند به راههای غیر مشروع روی نمی آورند.

با افزایش این صفت (مصرف گرایی) در جامعه افرادی که در طبقه پایین و متوسط قرار دارند رفتارهای متظاهرانه دارند، چون توان خرید در آنها نیست به اجناس بدلی و یا قرضی روی می آورند و از این طریق کسب احترام می کنند برخی نیز تظاهر به داشتن چیزی می کنند که ندارند.<sup>۱۳</sup>

همانطور که ذکر شد از تبعات شوم مصرف گرایی، اسراف و تبذیر است، اینک به بیان این دو رذیله می پردازیم.

### الف) اسراف

اسراف از مباحث قرآنی، فقهی و اخلاقی بوده و حرمت آن در آیات و روایات مطرح شده است برخی حرمت آن را از ضروری دین دانسته و برخی دیگر آن را در ردیف گناهان کبیره شمرده اند.<sup>۱۴</sup>

راغب اصفهانی در معنای اسراف می گوید: "اسراف تجاوز الحدی کل فعل یفعله الانسان" اسراف به معنای تجاوز از حد و معیار در هر کاری است که از انسان سر بزند، گرچه استعمال آن در موارد زیاده روی در انفاق مال بیشتر است؛ البته، گاهی به خروج از اعتدال در مقدار خرج مال و زمانی هم به چگونگی بذل مال و مانند آن اطلاق می شود.<sup>۱۵</sup> در حقیقت می توان گفت: "اسراف هرگونه تجاوز از حد یا افراط و تندروری یا وضعیت نامناسب حالات نفسانی و روحیات و صفات غیر معتدل اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی افراد در جامعه می باشد.<sup>۱۶</sup> البته این تعریف تکلیف را بسیار سنگین می کند زیرا اسراف از حوزه اقتصادی و خوردن و آشامیدن به سایر حوزه های دیگر اعمال انسان خیر کشیده می شود؛ تعبیر امام حسن عسگری (علیه السلام): «انّ للسخاء مقدار، فانّ زاد علیه فهو سرف.»<sup>۱۷</sup> در باب اسراف و حدودش قابل تأمل است.

در بیان دیگر امام صادق (علیه السلام) اینگونه نشانه های اسراف را بیان نموده اند: «للمُسْرِفِ ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ: يَشْتَرِي مَا لَيْسَ لَهُ، وَ يَلْبَسُ مَا لَيْسَ لَهُ وَ يَأْكُلُ مَا لَيْسَ لَهُ» اسرافکار سه نشانه دارد: چیزی می خورد که در شأن او نیست؛ چیزی می پوشد که در شأن او نیست؛ چیزی می خورد که در شأن او نیست.<sup>۱۸</sup>

از دیدگاه قرآن کریم، اسراف یکی از نکوهیده ترین کارهاست که حتی آن را یک عمل فرعونی می داند

۱. همان، جا

۱۴ عبدالحسین، دستغیب، گناهان کبیره، ج ۲، ص ۹۹

۱۵ حسن بن محمد، راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ص ۲۱۰

۱. ولی الله رستگار جویباری، اسراف از دیدگاه اسلام، نشر الاصفیاء، تهران، ۱۳۸۰

۱۷ محمد باقر، مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۷

۱۸ عبدالمعلی بن جمعه، عروسی حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۷۷۲

می فرماید: "و انّ فرعون لعال فی الارض و انه لمن المفسرین"<sup>۱۹</sup>.

### ب) تبذیر

پراکندن مال از روی اسراف است و ریشه آن پاشیدن بذر است با این فرق که تبذیر پراکندن یا فاسد ضایع کردن است ولی اگر این خرج کردن (هر چه زیاد هم نباشد) در راه اصلاح چیزی باشد آن تبذیر نیست.<sup>۲۰</sup>

با توجه به تعریف فوق تبذیر زیر مجموعه اسراف است؛ در اسراف تلف کردن و ضایع نمودن مال به معنای فراگیری است و در برگزیده مواردی است؛ مانند زیاده روی در انفاق های شخصی و امور خیریه که شامل معنای تبذیر نمی شود؛ اما در تبذیر شامل به هدر دادن و زیاده روی در مصارف خوراکی، و ریخت و پاش زندگی می باشد، به بیان دیگر می توان گفت: هر تبذیری اسراف است ولی هر اسرافی تبذیر نیست. "امام صادق (ع) می فرمایند: "انّ التبذیر من الاسراف"<sup>۲۱</sup>

اسراف بیشتر در زیاده روی در مصرف به کار می رود، و حتی ممکن است در ظاهر، چیزی هدر نشود، ولی تبذیر، هدر دادن مال و اتلاف آن می باشد. در واقع فرق تبذیر با اسراف این است که تبذیر، خرج کردن مال در جاهایی است که نباید خرج شود (یعنی ممنوعیت شرعی دارد) و اسراف، بیش از حد خرج کردن در موارد مجاز است.<sup>۲۲</sup>

البته قرابت دو کلمه اسراف و تبذیر به گونه ای است که گاهی در یک معنی به کار می روند و حتی به عنوان تاکید پشت سر هم بکار می روند. به طوری که حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند: «الانّ إعطاء هذا المال فی غیر حقّه تبذیر و اسراف. آگاه باشید مال را در غیر مورد استحقاق صرف کردن تبذیر و اسراف است.»<sup>۲۳</sup>

نکته مهم دیگر اینکه بیش از این بیان شده که مصرف گرایی به معنای مصرف بی رویه و بیش از حد و هدف قرار دادن آن است از این جهت حکم اسراف، تبذیر شامل مصرف گرایی نیز می شود، و با توجه برابری به آسیب های اسراف و تبذیر در محدوده اخلاق اجتماعی؛ در این قسمت به ذکر آنها می پردازیم.

اسراف و تبذیر عاملی برای سقوط اخلاق اجتماعی است و لخرجی و ریخت و پاش ها انسان را از مسیر صحیح خارج نموده؛ به گونه ای که به سایر هموعان خود توجهی نمی نماید و درد رنج آنان را نادیده می گیرد. از جمله آفات دیگر آن؛ بخل ورزی است. اما یکی از صفات اخلاقی مورد توجه دین و اولیا، معصوم سخاوت است و فردی که اسراف و تبذیر میکند

۲. یونس (۱۰) آیه ۸۳

۴. فضل بن حسن، طبرسی، مجمع البیان، ج ۶، ص ۶۳۳.

۱. محمد؛ کلینی، کافی ج ۷، ص ۱۹

۲۲. فخرالدین، طریحی، مجمع البحرین، ص ۹۳

۲۳. محمد بن حسین، شریف رضی، نهج البلاغه ترجمه محمد دشتی، خطبه ۱۲۶، ص ۱۶۹

خود را از زیبایی جود و سخا محروم می نماید. روایتی از حضرت علی (علیه السلام) آمده است: «آفه الجود التبذیر»<sup>۲۴</sup>

مطلب مهم دیگر این است، اسراف از علل مهم اختلاف طبقاتی است؛ زیرا افرادی با استفاده از درآمد بالای خود، این حق را برای خود قائل می شوند که هر گونه که دوست دارند خرج نمایند، هر چند که موافق شرع و عرف نیز نباشد. بر این اساس، خود را از سایرین متمایز می دانند و رفته رفته به فاصله طبقاتی در جامعه کمک می کنند. در پاره ای از موارد مسرفین، ثروت اندوزی می کنند یعنی همان تکاثر؛ که نه به خود نفع می دهد ندونه دیگران.

### ۳- رفاه طلبی

یکی از بزرگترین آفات زندگی انسان، دنیا گرایی و تجمل گرایی است که این رذیله اخلاقی باعث انحراف انسان از صراط مستقیم می شود و درهای گمراهی و بدبختی را می گشاید. زندگی پرهزینه و آکنده از تبذیر و اسراف که در جهت رفاه طلبی باشد آفت بزرگ برای افراد جامعه است.

بدیهی است که دنیا زدگی و رفاه پرستی و تجمل گرایی، غیر از گرایش متعادل و معقول به دنیا و برخورداری از مایحتاج طبیعی و لوازم ضروری زندگی و دنیوی است.

رفاه زدگی یعنی انس و عادت به تجمل، تشریفات پر خرج و سنگین، ریخت و پاش های بی ملاحظه ی ثروت ها در راه خودنمایی ها، کام جویی ها و تمایلات نفسانی.

روحیه عافیت طلبی و راحتی طلبی همه جانبه که میوه ای تلخ دنیا زدگی و دنیا پرستی است با حرص در تملک اموال و دارایی های گوناگون مانند زمین، خانه، اتومبیل، مغازه و... همراه است.

قرآن کریم از گرایش به رفاه طلبی و زندگی پرهزینه که مفهوم منفی و ضدارزش دارد با واژه هایی خاص تعبیر می کند همانند «اسراف، تبذیر، ترف»

شاید بتوان گفت که بهترین معادلی که؛ برای رفاه زدگی در قرآن به کار رفته است واژه "اتراف" است. ترف "یعنی برخورداری از نعمت، و به معنی توسعه و گسترش نعمت"<sup>۲۵</sup>.

قرآن کریم مترفان را در صف اول مخالفان انبیاء قرار می دهد که به سبب ثروت بی حساب خود را برتر از انبیاء می پنداشتند "و ما ارسلنا فی قریه من نذیر الا قال مُتر فوها انا بما ارسلتم به کافرون" و قالو نحن اکثر اموالاً و اولاداً و ما نحن معذبین<sup>۲۶</sup> ما در هیچ شهری هشدار دهنده ای نفرستادیم جز آنکه خوشگذرانان آنها گفتند: "ما به آنچه شما بدان فرستاده شده اید کافریم" و گفتند: "ما دارایی و فرزندانمان از همه بیشتر است و ما عذاب نخواهیم شد."

<sup>۲۴</sup> عبد الواحد، آمدی تمیمی، غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه حسین شیخ الاسلامی، ج ۱، ص ۱۹۸، ح ۳۹۶۴

<sup>۲۵</sup> حسن بن محمد، راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآنی، ص ۷۲

<sup>۲۶</sup> سبا (۳۴) آیه ۳۴

اشخاص رفاه زده در عمل اجتماعی و رفتار های مرتبط با دیگران رفتاری استکباری دارند و به سبب ثروت و رفاه زدگی به دیگران تفاخر کرده و فخر می فروشند.<sup>۲۷</sup> این افراد دارای روحیه وحس همدردی نیستند؛ به عبارتی چون این افراد مبتلا به تکاثر و اتراف هستند و تکاثر و اتراف، با آثار منفی که دارند، به انسان اسیر و گرفتار چنین تحمیل می کنند که تمام جهت گیری هایش در دایره ی نفع شخصی خود باشد و هرگز به فکر مصالح هم نوع و عموم مردم و ایثار اجتماعی نیافتد؛ همچنین پایه های همیاری اجتماعی و تعاون را متزلزل می سازند و به این وسیله اساس توازن و تبادل را نابود کرده و توده مردم را ضایع و هلاک می سازند.<sup>۲۸</sup>

خصلت دیگر این افراد این است که، این افراد، خود را از عموم مردم، جامعه و خدا و عبادت کنار می کشند و برتری خود را به رخ همگان می کشند.<sup>۲۹</sup>

حال اشخاصی که از ثروت برخوردار نیستند و یا از ثروت کمتری برخوردار می باشند در نگرش و بینش رفاه زدگان مردمان دون و پست و حقیر هستند که می توان به عنوان اراذل و اوباش آنان را تحقیر کرد و خوار شمرد. و این امر در گفتارها و بیانات رفاه طلبان به خوبی هویدا است.<sup>۳۰</sup>

به خاطر این امر حضرت علی (علیه السلام) مکرر به کارگزاران خویش توصیه می کردند که ساده زندگی کنند و از رفاه و تجمل گرایی بپرهیزند و خصوصا با مال حرام ثروت اندوزی نکنند و همیشه خدا را ناظر بر اعمالشان بدانند، همیشه خودشان هم کاسه فقرا و مستمندان می شدند و از اینکه دعوت ثروتمندان را بپذیرند، کراهت داشتند؛ لذا به مسئولان حکومت خود نیز سفارش می کردند سر سفره ای که هیچ مسکینی ننشسته، حاضر نشوند و از خوردن لقمه شبیه دار بپرهیزند. چنانکه به عثمان بن حنیف انصاری، فرماندار بصره، که دعوت سرمایه داری از مردم بصره را پذیرفته بود نامه ای نوشتند و مسائلی را متذکر شدند.<sup>۳۱</sup>

امام (ع) به عنوان سرزنش عثمان بن حنیف را در این کار تخطئه میکند، با این عبارت: و ما ظننت انک کذا... یعنی: گمان من نسبت به پارسایی تو این بود که تو خود را پاکتر از آن میدانی که دعوت به مهمانی گروهی را پذیرا شوی که به مستمندانشان اعتنا نمیکنند و دعوت و بخشش آنان منحصر به ثروتمندان و فرمانروایان است، و دلیل خطای عثمان در قبول دعوت ایشان آن است که منحصر ساختن کرامت و ضیافت به ثروتمندان بدون مستمندان، دلیل روشنی است بر این که هدف ایشان (اشراف بصره) از این عمل، جلب دنیا و ریا و سمعه است نه رضا و خوشنودی خدا، و هر کس چنین باشد، پذیرفتن پیشنهاد و قبول دعوت او موافقت با او و رضایت به فعل اوست، و این خود اشتباه بزرگی است بویژه از فرمانروایان دینی که قادر بر جلوگیری از کارهای خلافند. همچنین، به وی دستور داده است تا از این گونه مواردی که

۱. هود (۱۱) آیه ۱۰

۲۸ محمد رضا، حکیمی، الحیات، ج ۳، صص ۳۲۶-۳۲۷

۴. اسرا (۱۷) آیه ۸۳؛ فصلت (۴۱) آیه ۵۱؛ فجر (۸۹) آیه ۱۵

۵. کهف (۱۸) آیات ۳۲-۳۴

۳۱ محمد بن حسین، شریف رضی، نهج البلاغه ترجمه علی نقی فیض الاسلام، نامه ۴۵، ص ۹۶۸



برایش پیش می‌آید، دوری کند و از غذایی که برایش آماده میکنند که احتمال حرمت آن میرود و کیفیت آن معلوم نیست باید احتراز کند، و آنچه را که یقین به حلال بودن آن و پاکی و درستی راه کسب آن دارد که بدون شبهه است، میل کند.<sup>۳۲</sup>

خلاصه اینکه، انسان رفاه طلب مثل گل گلخانه است که در جوّی غیر طبیعی و مصنوعی رشد می کند او با سرد و گرم زمانه آشنا نیست اما تحقیق و تجربه بیانگر این است که چهره موفق زندگی، فردی است که، با مشکلات رودررو می شود و بر آنها غلبه می کند ولی رفاه طلب تحت مراقبت شدید نزدیکان با مهیا بودن امکانات مادی از هرگونه مواجهه با مشکلات زندگی می گریزد و حاصل این گریز به فساد اخلاق، منجر می شود.

#### ۴- منفعت طلبی

از ویژگی های ذاتی انسان، حبّ ذات، خودخواهی و خود دوستی است. این خصیصه، او را به سوی جلب منفعت شخصی و نیز دفع ضرر، سوق می دهد. و شاید منفعت طلبی، تنها (و لافل قوی ترین) عاملی باشد که انسان ها را به سوی کار و تلاش و دانش و مهارت های زندگی کشاند و تحمل رنج ها و مشقت ها را برایش معقول جلوه می دهد. متفکران اسلامی، یکی از انگیزه های خداشناسی را و بلکه عاملی که انسان را واهی دارد تا در مسیر خداشناسی و شناخت دین حق، قوم بردارد. منفعت طلبی می دانند و می گویند چون انسان، تحت تأثیر این انگیزه قرار دارد، همین که احتمال بدهد که دین بتواند کمکی به تأمین خواسته ها و منافع او بکند و جلوی زبان هایش را بگیرد همین کافی است که او را به تلاش برای شناخت خدا وادارد.<sup>۳۳</sup> این غریزه انسانی جدا از دیگر غرایز نیست و مانند آن ها باید حد و مرزی برای آن قائل بود، پس، منفعت طلبی را نمی توان فی نفسه از جمله صفات مذموم حساب کرد بلکه مورد تأکید بزرگان دین هم هست البته با رعایت حد و حدود ها.

اما ویژگی انسان منفعت طلب (صفت مذموم) این است که

۱- هدف و همت او محدود به امور مادی و مقصد و مقصود او تأمین منافع شخصی است. "فاعرض عن من تولى عن ذكرنا ولم يردألّا الحياه الدنيا ذلک مبلّغهم من العلم." <sup>۳۴</sup> پس هرکس که از یاد ما روی برتافته و جز زندگی دنیا را خواستار نبوده است، از اوروی برتاب این منتهای دانش آنان است. "يُصبح و همّهُ الغداء و عيسى و نيتهُ العشا"<sup>۳۵</sup>

۲- در زمان وفور ثروت و امکانات فراوان مادی، سیری ناپذیر است و در زمان فقر و نارسایی، روحیه قناعت و رضایت از زندگی ندارد.<sup>۳۶</sup>

<sup>۳۲</sup> میثم ابن علی، ابن میثم بحرانی، شرح نهج البلاغه ابن میثم، محمد صادق عارف، ص ۱۱۲۹

<sup>۱</sup> محمد تقی مصباح یزدی، آموزش عقاید ج ۱، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، چهارم ۱۳۶۱، ص ۳۷

<sup>۲</sup> نجم (۵۳) آیه ۲۹-۳۰

<sup>۳</sup> محمد بن محمد بن نعمان مفید، الامالی، چاپ دوم، قم، اسلامی، ۱۴۱۳ ق، ص ۳۳۲

"إِن أُعْطِيَ مِنْهَا لَمْ يُشَبَّعْ وَإِنْ مَنَعَ لَمْ يَقْنَعْ" ۳۶

۳- کم ظرفیت و کم طاقت است و در رویارویی با مشکلات اقتصادی، بی تاب می کند و به هنگام گشایش و رفاه، بخل می ورزد. "إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعاً إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزَّ وَعَا وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعاً" ۳۷

به راستی که انسان سخت آرزو مند و بی تاب خلق شده است؛ چون صدمه ای به او رسد عجز و لابه کند و چون چیزی به او رسد بخل ورزد.

۴- رقابت او منحصر به سود زودگذار دنیوی است و نسبت به سود جاوید اخروی خود، تسامح می ورزد. "دنیافس فیها تَفِینِی وَ یَسَامَحْ فِیْمَا یَتَمِی" ۳۸

منفعت طلبی آسیب هایی را برای افراد در جامعه دارد از جمله:

پیوسته سودمندی خویش را به منافع دیگران ترجیح می دهد و بدین سبب بسیار تنگ نظر، خسیس و خودخواه است "و کان الانسان قتورا" ۳۹ و انسان همواره بخیل است.

همچنین انسان منفعت طلب، عجول و شتابگرا است از این رو، نمی تواند -یا نمی خواهد منافع واقعی و دراز مدت خویش را در نظر بگیرد "و یدع الانسان بالشَّرِّ دعاوه بالخیر و کان الانسان عجولاً" ۴۰. او سخت شیفته مال و ثروت است؛ و آنه لِحَبِّ الخیر لشدید ۴۱ و راستی، او سخت شیفته مال است. پس همراه به انباشتن ثروت می پردازد و از انفاق مشارکت در هزینه های عمومی دریغ می ورزد.

همچنین تعهد او به هنجارهای اجتماعی، تا زمانی است که خود را نیازمند احساس می کند، آنگاه که خود را بی نیاز انگارد، سرکشی می کند: "إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَیْطَغِی" ۴۲ به راستی که انسان چون خود را بی نیاز پندارد، سرکشی می کند بر خود می بالد و به دیگران فخر می فروشد. "أَنَّهُ لَفَرَحَ فُخُورٌ" ۴۳ بی گمان او شادمان و فخر فروش است.

۴. ابن شعبه، حرانی، تحف العقول، ص ۱۵۲

۵. معارج (۷۰) آیه ۲۱-۱۹

۱. محمد بن حسین، شریف رضی، نهج البلاغه ترجمه محمد دشتی، حکمت ۱۵۰، ص ۴۷۲

۲. اسرا (۱۷) آیه ۱۰۰

۳. همان ۱۱

۴. عادیات (۱۰۰) آیه ۸

۵. علق (۹۶) ۶-۷

۶. هود (۱۱) آیه ۱۰

## ۵- تکاثر

تکاثر در واقع افزون طلبی، برتری جویی و پیشی گرفتن از دیگران در جمع مال و کثرت فرزندان و دیگر تعلقات دنیوی است که این حس موجود در آدمی، حجم وسیعی از آیات و روایات را به خود اختصاص داده است. این حس سیری ناپذیر در انسان، اگر در مجرای صحیح قرار نگیرد و به شایستگی کنترل نشود؛ علاوه بر اینکه سرمایه عمر را تباه می کند و درد و رنج های فراوان با خود دارد، سرانجام سخت و ناگواری را برای آدمی رقم می زند. تکاثر و افزون خواهی و برتری جستن از دیگران، یکی از بزرگترین عوامل سقوط و غفلت آدمی از یاد خدا و بی توجهی به دین و دیانت و سرپیچی از انجام اوامر و پرهیز از نواهی الهی می باشد.

کلمه «تکاثر» از ریشه کثره» اساس آن را نوعی حس غلبه جویی بر دیگران، برتری طلبی و زیاده خواهی تشکیل می دهد که با توجه به باب تفاعل؛ معنای آن قابل توجیه است<sup>۴۴</sup>.

راغب اصفهانی «تکاثر» و «مکاثره» را مترادف هم و به معنای رقابت و پیشی گرفتن از دیگران در جمع مال و ثروت اندوزی و عزت طلبی عنوان کرده است<sup>۴۵</sup>.

این کلمه در دو سوره، تکاثر آیه ۱ و حدید آیه ۲۰ استعمال قرآنی پیدا کرده است. در سوره نخست متعلق تکاثر ذکر نشده است تا در بیان مذمت و نکوهش این عمل رساتر و بلیغ تر جلوه کند.<sup>۴۶</sup>

به تصریح بعضی روایات، جز اندکی از انسان ها همه گرفتار تکاثرند و در حدیث نبوی اشاره به آن است که برای امت خویش بیش از فقر و ناداری، از تکاثر و زیاده خواهی امت بیمناکند<sup>۴۷</sup>. چرا که به جمع آوری اموال از طریق نامشروع پرداخته و از ادای حق آن ممانعت می ورزند و آن را در مخزن ها و صندوق ها پنهان می کنند<sup>۴۸</sup>.

اما موضوع قابل بحث دیگر آن است که تکاثر طلبی در سطح کلان به عنوان یکی از بزرگترین دردهای اقتصادی و اخلاقی که جوامع بشری را تهدید می کند، مطرح است.

کسب ثروت از راه های غیرمجاز نه تنها ضدارزش است و مغایر با آموزه های دینی، بلکه به نوبه خود از عمده ترین عوامل انحطاط و سقوط جوامع انسانی محسوب می شود که خود اختلاف طبقاتی شدیدی را ایجاد خواهد کرد. تکاثر طلبی

<sup>۴۴</sup> محمد بن عمر، فخر رازی، تفسیر کبیر، ج ۳۲، چاپ سوم، ص ۷۷

<sup>۴۵</sup> حسین بن محمد، راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه مصطفی رحیمی نیا، ص ۳۷۹

<sup>۴۶</sup> محمد بن عمر، فخر رازی، همان جا

<sup>۴۷</sup> علاء الدین متقی، هندی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، تصحیح شیخ صفوه السقا، ج ۳، بی جا، موسسه ارساله،

ص ۱۹۶

<sup>۴۸</sup> عبدالعلی بن جمعه، عروسی حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۶۶۲

تعادل و موازنه ثروت را در جامعه بر هم زده و آن نظامی را که فطرت الهی به آن فرا می خواند مختل می کند.<sup>۴۹</sup> بی عدالتی و استثمار ملت ها نیز زائیده افکار پلید تکاثر طلبان است. از این رو خداوند مسلمانان را به گردش ثروت در میان خود تشویق و ترغیب کرده است تا ثروت فقط در دست طبقه ثروتمندان در جریان نباشد.

از آثار مخرب جمع و انباشته کردن اموال، آشکار شدن تقاضاهای کاذب است که به نوبه خود به مصالح جامعه آسیب می رساند. افراد مستعد کار از فعالیت و حرکت بازداشته می شوند و رکود و بی تحرکی جامعه را فرا خواهد گرفت.<sup>۵۰</sup>

ریشه بزرگترین جنگ های خانمان سوز که جهان تا به حال به خود دیده است چیزی جز به دست آوردن جاه و مقام و نشستن بر اریکه قدرت و اشباع حس منفعت طلبی و برتری جویی انسان ها نبوده است. این تفکر مسموم در سطح جهانی انسانیت را تهدید و دنیا را به ویرانی ای تبدیل خواهد کرد.

تکاثر و افزون خواهی و برتری جستن بر دیگران، یکی از بزرگترین عوامل سقوط و غفلت آدمی از یاد خدا و بی توجهی به دین و دیانت و سرپیچی از انجام اوامر و پرهیز از نواهی الهی می باشد. ارمغان چنین تفکری بهره مندی اندک و ناماندگار و فناپذیر از موهبت های دنیوی- و البته همراه با دردها و رنج های فراوان- است.

## ۶- ربا

از موانع رشد اقتصادی "ربا خواری" است.<sup>۵۱</sup> نظام اقتصادی اگر مبتلا به ربا خواری شود، اقتصاد از حالت رشد و شکوفایی به اقتصاد بیمار تبدیل می شود که نه تنها قوام نخواهد یافت بلکه از درون فرومی پاشد؛ زیرا هیچ عمل اقتصادی واقعی انجام نمی گیرد و ثروت از گردش سالم تولید خارج شده و به سمت واسطه گری می رود این گونه است که دیگر سخن گفتن از اقتصاد مقاومتی و اقتصاد سالم که بتواند در برابر دشمنان و وضعیت بحران مقاوم باشد، بیهوده است.

ربا در لغت به معنای "زیادتی"<sup>۵۲</sup> و در اصطلاح "زیاده گرفتن در وام و بیع"<sup>۵۳</sup> است

<sup>۴۹</sup>. محمدحسین، طباطبایی، المیزان، ج ۲، ص ۴۱۳

<sup>۵۰</sup> همان، ص ۴۱۴

<sup>۵۱</sup>. بقره ۲، آیات ۲۷۹-۲۷۶

<sup>۱</sup>. جعفرین حسن حلی، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۱، تحقیق سید صادق شیرازی، چاپ دوم، تهران انتشارات استقلال ۱۴۰۹ ق، ص ۱۸۰

<sup>۲</sup>. علی اکبر، دهخدا، لغت نامه، ج ۸ ص ۱۱۸۷۸

در قرآن کریم اشاره می کند که ربا خوار در اصل به جنگ به خداوند و رسولش به پا خواسته است. "فَاذْنُوبُوا يَجْرَبُ مِنَ اللَّهِ و رسوله. " <sup>۵۴</sup> حضرت امیرالمومنین علی (ع) میفرماید: "لهن رسول الله (ص) الربا و آكله و بائعه و مُشْتَرِيه و كاتبه و شاهده. " پیامبر خدا " ربا و خورنده و خریدار و فروشنده و نویسنده و گواهان آن را لعنت کرده است. <sup>۵۵</sup>

ربا در کوتاه مدت، سودهای بادآورده ای را نصیب عده ای می کند و در برابر، عده ای را به وادی فقر می کشاند؛ تداوم این عمل باعث ایجاد شکاف اقتصادی و شکاف طبقاتی میان این دو گروه می شود که نتیجه آن دشمنی این گروه است. پس امنیت اجتماعی و اقتصادی جامعه مورد تهدید قرار می گیرد <sup>۵۶</sup> و در دراز مدت بسترهای رشد پایدار نابود می شود. از این رو در روایات، فساد، ظلم و نابودی اموال جامعه، در فلسفه تحریم ربا یاد شده است <sup>۵۷</sup>. رسول خدا فرموده اند: "الربا و ان كَثُرَ فَاَنْ عَاقِبُهُ تُصِيرُ اِلَى قُلٍّ (درآمد) ربا هر چند فزونی می گیرد، سرانجامش کاستی است. <sup>۵۸</sup>

ربا علاوه بر مفساد اقتصادی، مفساد اخلاقی و اجتماعی فراوانی دارد؛ از جمله اینکه، ربا موجب کم شدن خیرخواهی اجتماعی کم رنگ شدن انگیزه های نوع دوستی، تقویت سود پرستی در دل های مردم ایجاد بی رغبتی به فعالیت اقتصادی سودمند و سوق دادن جامعه به سمت بی ثباتی شکنندگی، نابودی و بی قوامی پایه های اقتصادی و ناهنجاری های دیگر می شود. <sup>۵۹</sup>

خداوند ربا را در برابر صدقه آورده است. یعنی همانگونه که صدقه سبب امنیت، محبت، حسن تفاهم و هم دلی است، ربا در مقابل سبب خسارت، سنگدلی، دشمنی و بدگمانی و نا امنیتی می شود و انسان ها را به انتقام جویی بر می انگیزد و به اختلاف و پراکندگی می خواند. <sup>۶۰</sup>

فشار روز افزون طبقه وام گیر و روبه رو شدن آنان با رفتارهای خشونت و بی رحمانه ثروتمندان و سودپرستان که سبب می شود فرد وام گیر زندگی و آبرو و جان خود را در خطر ببیند، حس انتقام جویی او را بر می انگیزد تا به هرگونه ای که شده است، انتقام خود را بگیرد. <sup>۶۱</sup>

همچنین فرد وام دهنده (ربا خوار) در زمان موعد دریافت سود خود آنچنان خوی سودجویی فکر و حواس او را می گیرد که اندیشه و پروانه خیالش جز محور آن نمی چرخد و در نظرگاه او مقیاس همه ارزش ها همین سود می شود. می کوشد

۳ بقره (۲) آیه ۲۷۸ و ۲۷۹

<sup>۴</sup> محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۷، چاپ چهارم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا، ص ۱۵

<sup>۵</sup> محمد حسین طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۴۲۳

<sup>۶</sup> محمد بن بابویه قمی، صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۹۴

<sup>۷</sup> عبدالرحمن سیوطی، الجامع الصغیر، ج ۲، بیروت: دار الکفر، ۱۴۰۱، ص ۲۲.

<sup>۸</sup> هادی، حسینی، فقر و توسعه در منبع دینی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱، ص ۴۸۴-۴۸۲

<sup>۱</sup> محمد حسین طباطبائی، ترجمه المیزان، ج ۲، ص ۵۸۳

<sup>۶۱</sup> همان جا

که همه مواهب عقلی و انسانی و قوانین کار تولید را برای سود بری خود به کار گیرد و چون روش و منش او با روش های طبیعی و مصالح مردم تضاد دارد و دشمنی قربانی شدگان و ستم زدگان را نسبت به خود احساس می کند؛ خوی کینه جویی و بداندیشی نسبت به مردم در او ملکه می شود. از ترکیب خوی سود جویی و کینه توزی بی پایان، خوی درندگی و حسد و چالپوسی در عقیده خود کوچک بینی و خود بزرگ بینی در درونش ریشه می گیرد.<sup>۶۲</sup>

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: بخیل کسی است که سرمایه ای را از راه غیر حلال بدست آورد و در راه غیر حلال به کار گیرد.<sup>۶۳</sup> بی گمان نامشروع ترو حرام تر از ربانیست؛ زیرا خداوند اسنان ربا خوار را به جنگ با خود فراخوانده است. انسانی که از راه های نامشروع اموالی را جمع می کند؛ هنگام مصرف آن ها حساب سود های زودرس و بادآورده پول های خود را نیز در نظر می آورد و از مصرف کردن آنها خودداری می کند.

چنین شخصی حتی اگر سرمایه فراوان هم داشته باشد باز هم در استفاده از آنها بر خود و خویشان و هم نوعانش بخل می ورزد. به فرموده قرآن کریم، کسی که به دیگران بخل ورزد در حقیقت به خود بخل ورزیده است.<sup>۶۴</sup>

قابل ذکر است ربا آثار مخرب و فردی، اجتماعی، اقتصادی بسیاری دارد که در اینجا فقط به ذکر آسیب های اخلاق اجتماعی اکتفا کردیم.

## ۷- کم فروشی

کم فروشی از مصادیق استثمار است. و از موارد نهی شارع در موضوع تجارب و کسب و از مظاهر ظلم است. همچنین در حقیقت نوعی زیاده ستادن به ناحق از حق مشتری است؛ لذا از مصادیق حق الناس به شمار آمده و تمامی مشتریان بر ذمه کم فروش حق خواهند داشت.

کم فروشی در آیات و روایات نهی شده است، تا جایی که یک سوره در قرآن کریم در مذمت این کار نازل شده است، خداوند متعال در سوره مطففین می فرماید: "وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ"<sup>۶۵</sup> وای بر کم فروشان. البته آیات دیگری به گونه ای مستقیم یا اشاره وار به این موضوع اشاره کرده اند: از جمله، ".... أَخَاهُمْ شَعِيبًا قَالَ ... فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ ... بَرِّدَارِ شَانَ شَعِيبَ رَا (فرستادیم) گفت ...: بنابراین، حق پیمانه و وزن را ادا کنید و از اموال مردم چیزی نگاهید؟" <sup>۶۶</sup>

در این آیه، نخست، آنان را که آلوده کم فروشی و تقلب و تزویر در معامله بودند، از این کار باز می دارد و می گوید: "اکنون که راه خدا برای شما آشکار شده، حق پیمانه و وزن را ادا کنید و از حقوق مردم چیزی کم نگذارید." روشن

۳. محمود طالقانی؛ پرتویی از قرآن، ج ۱، شرکت سهامی انتشار چاپ سوم، ص ۲۵۳

۴. محمد حسن، حرعاملی، وسائل الشیعه، کتاب اسجاره و ابواب مایکشب به، ج ۱۷، ص ۸۱، باب ۱، ح ۱۴۰۳

۱ محمد (۴۷) آیه ۳۸

۳. سوره مطففین (۸۳) آیه ۱

۱. سوره اعراف (۷) آیه ۸۵

است که نفوذ هرگونه خیانت و تقلب در امر معاملات، پایه های اطمینان و اعتماد عمومی را که بزرگترین پشتوانه اقتصادی ملت هاست، متزلزل می سازد. وضایعات غیر قابل جبرانی برای جامعه به بار می آورد.<sup>۶۷</sup> پس کم فروشی از گناهان بزرگ و اجتماعی است و آثار زیانباری در اقتصاد جامعه دارد. "افوالکیل... فلا تبحسوا الناسَ أشياء هم ولا تعثوا فی الارض مفسدین ... ای مردم آنچه می فروشید با سنگ تمام بدهید ... و از کم فروشی حذر کنید، و با این وضع بذر فساد در زمین نپاشید.<sup>۶۸</sup>

آنچه از آیات قرآن بر می آید، آن است که کم فروشی مایه استثمار و فساد انگیزی در جامعه است. و افزودن بر گناه کبیره بودن،<sup>۶۹</sup> کیفری دنیوی آن به شکل قحطی و خشکسالی بروز می کند؛ لذا پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) می فرماید: "ما یُخسر قوم المکیال و المیزان ألا اخذ بالسّین." هیچ قومی کم فروشی نکردند مگر آن که به خشکسالی مبتلا شدند.<sup>۷۰</sup>

و امام رضا (علیه السلام) می فرماید: "...واجتنابُ اجتنابَ الكبائر ... و البَخس فی المِکیال و المیزان ... "(از اسلام ناب است) دوری از گناهان کبیره ... و کاستن پیمان و ترازو.<sup>۷۱</sup>

کم فروشی از مصادیق تضییع حقوق دیگران است. زیرا کم فروشی و کم کاری از مصادیق بارز ضرر رساندن به منافع دیگران و یا تعدی به حقوق دیگران است.<sup>۷۲</sup>

اعتماد آفرینی نقش مهمی در موفقیت شغلی دارد. اعتماد به طرف مورد معامله سرمایه بزرگ آن را دادوستد است، کم فروشی آفت بزرگ اعتماد است و موجب از بین رفتن این سرمایه می شود.

قرآن کریم بعد از تحذیر کم فروشی "می فرماید: «ولا تعثوا فی الارض مفسدین»" فساد ناشی از نقص در کیل و وزن به این است که بردن مال مردم از طریق کم فروشی حسن تدبیر زیان دیده را اعم از افراد و سازمان ها از بین می برد و آنان را در مسیر زندگی به سرگشتگی و حیرت می کشاند و از آنجا که یک نوع دزدی پنهانی و غالباً بی صدا و به دور از دسترس قانون و تعقیب است زمینه شیوع آن در کل جامعه هموار می گردد و آثار زیانبار آن همه را فرا می گیرد و به هر

۲. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۶ ص ۲۵۱

۱. شعراء (۲۶) آیه ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳؛ ن ک: قصص (۲۷) آیه ۷۷

۲. عبدالحسین، دستغیب، گناهان کبیر، ج ۲، ص ۳۷۴

۳. حسن بن ابی الحسن، دیلمی، ارشادالقلوب، ج ۱، ص ۷۱

۴. محمد بن علی بن باویه، قمی (صدوق)، عیون اخبار الرضا، ج ۲ صص ۱۲۷

۵. ابی جعفر محمد بن الحسن، الطوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد حبیب مضیر العاملی، بیروت

دارالحیاء التراث العربی ۱۴۱۱ ه. ج ۱۰، ص ۲۹۵

جنب گسترده می شود و اساس زندگی اجتماعی را متزلزل می گرداند ، اعتماد و امنیت عمومی را زایل می کند ، منشاء کینه ها و عقده ها و نزاع های اجتماعی می گردد و این همان فساد در زمین است.<sup>۷۳</sup>

## ۸- رشوه

رشوه ، هدیه ای دوزخی است ؛ مال یا شبه مال است که برای ابطال حق یا احقاق باطل پرداخته می شود.<sup>۷۴</sup>

وازرهگذر آن، خواسته ای غیر قانونی یا غیر شرعی برآورده می شود. قرآن کریم می فرماید : " و لاتاکلو اموالکم بینکم بالباطل و تدلّوا بها الی الحکام لتاکلوا فریقاً من اموال الناس بالاثم." و اموالتان را در میان خودتان به ناروا مخورید و (به عنوان رشوه قسمی از آن) را به قضات مدهید تا بخشی از اموال مردم را به گناه بخورید.<sup>۷۵</sup>

رشوه از آفات بزرگ اقتصادی است که اثرات بسیار سوئی در جامعه دارد ، باعث نزاع و نا امنی بین افراد جامعه شده ، انرژی ها به جای مصرف شدن در مسیر کار ، بهره دهی و تولید در مسیر حق کشی ، مصرف گرایی ، دزدی و... به کار گرفته می شود

رشوه وارتشایک پدیده اجتماعی و نا بهنجار فرهنگی و رفتاری است که اسلام به شدت با آن مخالفت ورزیده و مجازات دنیوی و اخروی شدیدی نسبت به آن وضع کرده است .

البته فلسفه و هدفی که برای رشوه و ارتشاء بیان شده ، همان منفعت طلبی انسان از هر طریق ممکن است. عواملی چون فقر اقتصادی ، نابسامانی های درآمدی کارکنان ادارات، ضعف قوانین نظارتی عدم ثبات در مدیریت ، عدم وجود شایسته سالاری های در عزل و نصب ها و... در زمینه سازی رشوه خواری موثر است.

دین اسلام با شدت با این آفت به مبارزه پرداخته است . پیامبر (ص) در این زمینه ، چنین می فرماید : " لعن الله الراشی و المرتشی و الماشی بینهما ، خداوند رشوه دهنده و رشوه گیرنده و واسط میان آنان را لعنت کند." <sup>۷۶</sup>

از نظر اسلام رشوه گرفتن حکم در حد کفر وشرک و هدیه گرفتن کارگزاران در قبال انجام وظیفه اداری ، خیانت است . حضرت علی (ع) گیرنده هدیه را در منصب کارگزاری ، خائن و گیرنده رشوه را مشرک نامیده است . "من أخذ هدیة کان علولا و من اخذ رشوة فهو مشرک." <sup>۷۷</sup>

رشوه خواری با ناکارآمد کردن قانون ، موجب بروز تبعیض ، نا امنی ، فاصله طبقاتی و .. می شود . از طریق رشوه عده ای به ثروت کلان می رسند و عده ای فقیر می شوند و در این وضعیت اقتصاد مقاومتی که متکی به اعتماد مردم به نظام

<sup>۱</sup> محمدحسین طباطبائی ، المیزان، ج ۱ ، ص ۱۲۴

<sup>۲</sup> . فخرالدین، طریحی مجمع البحرین، ص ۳۷۳

<sup>۳</sup> بقره (۲) آیه ۱۸۸، ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه ، ج ۲ ، ص ۴

<sup>۱</sup> محمدباقر مجلسی ، بحارالانوار ، ج ۱۰۱ ، ص ۲۷۴ ، ح ۱۱

<sup>۲</sup> . همان ، ج ۷۲ ، ص ۳۴۵



اقتصادی است دیگر توان مقاومت نداشته و جامعه از رشد اقتصادی باز می ماند. همچنین رشوه، موجب بی اعتمادی مردم به دستگا های اجرایی و قضایی می شود.

از تبعات بسیار سوء آن این است که، اضطراب و نا امنی در بین مردم زیاد می شود؛ پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرموده است: «میان هر قومی، رباخواری آشکار گردیده فحطی گرفتار آیند و میان هر قومی رشوه خواری شایع شود به ترس مبتلا گردند.»<sup>۷۸</sup>

سرمشا بسیاری از رذایل ربا، دروغ، نفاق، خدعه، مکر در پس پرده رشوه جای دارد. خیانت و تخلف از وعده، قانون گریزی و گرفتار دام تبعیض و حرام خواری حرص آمیز همه بواسطه مبتلا شدن در دام رشوه است.

در جامعه ای که افراد مبتلا به این صفت رذیله (حرام خواری در قالب رشوه گرفتن) باشند؛ افرادش به گناه و فساد عادت می کنند و دیگر روی آرامش و پیشرفت و توسعه و عدالت اجتماعی را نمی بینند؛ چنین جامعه متزلزل و افرادش مأیوس و نا امیدند و البته حلّ مشکل خود را در ظلم و تجاوز به یکدیگر می بینند.

وقتی در جامعه پول محوری حاکم باشد؛ پول جایگزین معنویت و اخلاق می شود در نتیجه چنین جامعه ای روی سعادت را نخواهد دید. آمار انحرافات و سایر جرائم در جامعه زیاد شده و روح قانون شکنی تقویت می شود.

رشوه به راحتی می تواند احترام به ارزش ها و قوانین و عدالت حاکم بر جامعه را در هم شکند. هرج و مرج، وظیفه شناسی، عدم اعتماد، دروغ، ثروتهای بادآورده که نتیجه رشوه است؛ همه می توانند، ضوابط اخلاقی را از بین ببرند.

اخلاق اجتماعی در زمینه های اقتصادی می تواند زمینه ساز نظام اقتصادی سالم و ویژه خود باشد. آموزه های اخلاقی اسلام بسیارند و همه عرصه های اقتصاد را در بر می گیرند. شناخت آفتها و آسیبهای اخلاق اجتماعی در حوزه اقتصاد، می تواند راهگشای بسیاری از مشکلات و موانع اقتصاد اسلامی باشد. مخصوص در حیطه فقرزدائی از جامعه؛ و کاهش رذایل اخلاقی در حوزه مصرف در اقتصاد من جمله؛ اسراف، تبذیر، مصرف گرایی، تکاثر.

تجمل پرستی و رفاه طلبی افراد جامعه و منفعت گرایی فرموم از عوامل بخل ورزی و انفاق و دوری از نوع دوستی افراد در جامعه است. و شناخت اثرات این رذایل اخلاقی، می تواند گام موثری در جهت رفع این آسیب ها باشد.

رباخواری، کم فروشی و رشوه از عوامل فساد در جامعه اسلامی و بسطان ارزش های اخلاقی اجتماعی هستند؛ این سه عامل پلید که باعث انباشته شدن ثروت حرام در زندگی ها می شود؛ آثار مخربی در اقتصاد و اخلاق اجتماعی دارند از جمله اعتماد ستیزی و هرج و مرج در جامعه. امنیت اجتماعی سقوط می کند و قانون گریزی و خدمه در رأس امور قرار می گیرد. پس می توان نتیجه گرفت که با شناخت کامل دوری از آسیب های ذکر شده می توان گام موثری در جهت شکوفایی و رشد مطلوب اقتصادی همراه با شکوفایی ارزش های انسانی برداشت.

<sup>۷۸</sup> غلامحسین، مجیدی خوانساری، نهج الفصاحه، ص ۳۰۷، ح ۱۶۱۸

## نتیجه گیری

بررسی آسیب های رفتاری، اخلاقی و اجتماعی در حوزه اقتصاد از منظر قرآن و روایات نشان می دهد که دین اسلام به طور جامع و دقیقی به موضوع اقتصاد و پیامدهای اخلاقی آن پرداخته است. آموزه های اسلامی بر اصولی همچون عدالت، عدم منفعت طلبی، مسئولیت پذیری، رعایت حقوق دیگران، پرهیز از ربا و رشوه و... تأکید دارند و هرگونه تخطی از این اصول را به عنوان عاملی برای بروز فساد اقتصادی و اجتماعی معرفی می کنند.

آیات قرآن کریم و احادیث نبوی، با تأکید بر انصاف، تعادل و امانت داری در معاملات، هشدارهایی روشن درباره آسیب های فقر، رشوه، ربا و نادیده گرفتن حقوق دیگران ارائه می دهند. این منابع دینی بر این نکته تأکید دارند که بی توجهی به اصول اخلاقی در اقتصاد می تواند به نتایج مخرب فردی و اجتماعی از جمله نابرابری اقتصادی، فقر، بی اعتمادی اجتماعی و کاهش همبستگی اجتماعی منجر شود.

بنابراین، برای دستیابی به یک جامعه اقتصادی سالم و عادلانه، لازم است که افراد و نهادها بر اساس اصول اخلاقی و مسئولیت پذیری عمل کنند و نظام های اقتصادی را با توجه به تعالیم دینی و اخلاقی طراحی و اجرا نمایند. با این رویکرد، می توان امیدوار بود که اقتصاد به عنوان ابزاری برای رشد و توسعه همه جانبه جامعه عمل کند و از تبدیل شدن به منبعی برای تضادها و آسیب های اجتماعی جلوگیری شود.

## منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. اجوی، احمد، اقتصاد کلان، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگان، ۱۳۸۰
۴. بحرانی، ابن میثم، شرح نهج البلاغه ابن میثم، محمد صادق عارف، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۷۵
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم ودررالکلم، ترجمه حسین شیخ الاسلامی،
۶. حرانی، ابو محمد، تحف العقول، بی جا، دار الحدیث، ۱۳۹۳
۷. حکیمی، محمدرضا، الحیات، ج ۴، ترجمه احمد آرام، مکتب نشر الثقافه، بی تا
۸. حرعاملی، محمد حسن، وسائل الشیعه، بی جا، کتابچی، ۱۳۸۶
۹. حسینی، هادی، فقر و توسعه در منبع دینی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱
۱۰. حلی، جعفر بن حسن، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۱، تحقیق سید صادق شیرازی، چاپ دوم، تهران، انتشارات استقلال ۱۴۰۹ ق
۱۱. دستغیب، عبدالحسین، گناهان کبیره، قم، دار الکتب، ۱۳۶۸
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، بی جا، مرتضوی، ۱۳۸۸
۱۳. رفیع پور، فرامرز، توسعه و تضاد، انتشار شرکت سهامی، چاپ دوم ۱۳۷۷
۱۴. رستگار جویباری، ولی الله، اسراف از دیدگاه اسلام، تهران، نشر الاصفیاء، ۱۳۸۰
۱۵. سیوطی، عبدالرحمن، الجامع الصغیر، ج ۲، بیروت، دارالکفر، ۱۴۰۱
۱۶. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۸

۱۷. طوسی، محمدبن حسن، تهذیب الاحکام ، ج ۷، چاپ چهارم، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، بی تا
۱۸. طالقانی، محمود، پرتویی از قرآن، ج ۱، شرکت سهامی انتشار چاپ سوم،
۱۹. همو، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد حبیب مضر العاملی، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی ۱۴۱۱
۲۰. عروسی حویزی، عبدالعلی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، ج ۱، بی جا، دار التفسیر، ۱۳۸۳
۲۱. مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش عقاید ج ۱، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ، چهارم ۱۳۶۱
۲۲. متقی هندی، علاالدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، تصحیح شیخ صفوه السقا، ج ۳، بی جا، موسسه ارساله، بی تا
۲۳. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الامالی، چاپ دوم، قم، اسلامی، ۱۴۱۳ ق
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳
۲۵. غلامحسین، مجیدی خوانساری، نهج الفصاحه، بی جا، انصاریان، ۱۳۸۳